

(استوری، طبری، همانجاها).

مآخذ: طباطبایا، ابوطالب، تکمله بر برهان مآثر (نک: هـ، طباطبایا، علی؛ طباطبایا، علی، برهان مآثر، دہلی، ۱۳۵۵ق/۱۹۳۶م؛ طبری، محمدعلی، زیادة الآثار، تهران، ۱۳۷۲ش؛ یزدانی، عبدالحمید، «تاریخ»، «تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، لاہور، ۱۹۷۱م؛ نیز:

Storey, C. A., *Persian Literature*, London, 1970.

مریم حسن دوست

**بُرْهَانِ مُحَقَّقٍ**، سیدبرهان‌الدین محقق‌حسینی ترمذی (د ح ۶۴۲ق/ ۱۲۴۴م)، از صوفیان مشهور و از جمله پیران مولانا جلال‌الدین محمد بلخی. او در میان مردم خراسان به «سید سیزدان» شهرت داشته است. این شهرت به اعتبار فراست و اشراف برهان محقق بر ضمائر و خواطر مردم بوده است (افلاکی، ۵۶/۱؛ سپهسالار، ۱۶۵؛ جامی، ۴۵۸). بنابراین، گفته آنان که سبب این شهرت را پیشگویی برهان محقق از آشنایی شمس تبریزی با مولانا دانسته‌اند (نک: گولپینارلی، مولانا...، ۹۰)، درست نمی‌نماید. مولانا و سلطان ولد از او به صورت‌های سید برهان‌الدین محقق، برهان محقق، و گاه به مناسبت ضرورت‌های شاعرانه، برهان و برهان دین هم یاد کرده‌اند (مولوی، مکتوبات، ۹۸، قیه ما فیه، ۱۶، ۱۱۱، متنوی...، دفتر ۲، بیت ۱۳۲۰؛ سلطان ولد، ریاب‌نامه، ۲۳۹، ولدنامه، ۱۷۹، ۱۹۴). برهان محقق از سادات حسینی ترمذی بوده است و از او با القاب «فخر آل یاسین» و «سید اقطاب» نام برده‌اند (جامی، همانجا؛ ابن کربلایی، ۷۰/۲؛ خوارزمی، ۱۲۶/۱)؛ اما اینکه بعضی نام او را «سید حسین» ثبت کرده‌اند (نک: EI<sup>1</sup>, VIII/797)، البته نادرست، و ناشی از بی‌دقتی مصحح مناقب العارفين است (نک: افلاکی، همانجا).

سال ولادت برهان محقق در سنگ مزار او در قیصریه - که متأخر و نوساخت است - با حروف واژه «ثانی» (برابر ۵۶۱ق) ثبت شده است (گولپینارلی، همان، ۹۳). وی در عنفوان جوانی به بلخ آمد و بر اثر آشنایی با بهاء‌الدین ولد، پدر مولانا، شاگرد و مرید وی شد (سلطان ولد، همان، ۱۸۷). قابلیت و استعداد برهان محقق در عرصه سلوک به حدی بود که در بی ۴۰ روز ملازمت و مصاحبت با بهاء‌الدین ولد بسیاری از دقائق معارف صوفیانه را دریافت (سپهسالار، ۱۷۲؛ افلاکی، ۷۷/۱، نیز نک: ۱۳۲/۲-۱۰). برخی از نویسندگان مانند محمود مشنوی خوان در ترجمه ترکی ثواقب المناقب این مدت را ۱۲ سال دانسته‌اند (نک: فروزانفر، زندگانی...، ۳۵، حاشیه؛ قس: گولپینارلی، مولویه...، ۲۴) که البته این روزگار طولانی ناظر بر ریاضتهایی است که برهان محقق ظاهراً در ایام خدمت و ارادت نزد بهاء ولد، یا پس از جدا شدن از او داشته است؛ چنانکه به گفته افلاکی نزدیک به ۱۲ سال در بیشه‌ها و کوهستانهای اطراف بخارا با سر و پای برهنه و با تحمل گرسنگی به سر برده است (۶۱/۱). به هر حال، قابلیت برهان محقق و کشش و تعلق شدید او به شیخش بهاء ولد، (نک: برهان محقق، ۲۱؛ افلاکی، ۶۹/۱) موجب آن شد که شیخ او را برکشید و مورد «عطای بی‌حد» قرار داد و وظیفه لالایی و اتابکی، یعنی تربیت و سرپرستی فرزندش جلال‌الدین محمد را به عهده او گذاشت (سلطان ولد، همان، ۱۸۹؛ سپهسالار،

**بُرْهَانِ مَآثِرِ**، کتابی درباره تاریخ سلاطین دکن به زبان فارسی، نوشته سید علی بن عزیزالله طباطبایا، مورخ شیعی سده‌های ۱۰ و ۱۱ق/ ۱۶ و ۱۷م. نویسنده پس از آنکه به دستگاه نظام شاهیان راه یافت، در ۱۰۰۰ق/۱۵۹۲م به امر برهان نظام شاه دوم (حک ۹۹۹-۱۰۰۳ق/۱۵۹۱-۱۵۹۵م)، تألیف کتاب برهان مآثر را آغاز کرد (نک: ص ۸، ۱۰، ۱۱۹؛ استوری، ۱(1)/740؛ یزدانی، ۵۵۲/۴؛ طبری، ۹۹) و در ۱۰۰۳ق آن را به اتمام رسانید (ص ۵۹۲؛ یزدانی، همانجا).

مؤلف پس از یک مقدمه چند صفحه‌ای، سلاطین دکن را بر اساس مقر حکومتشان به ۳ طبقه تقسیم کرده است: طبقه اول به پادشاهان بهمنی گلبرگه اختصاص دارد که حکمرانی آنان با جلوس سلطان علاء‌الدین حسن شاه بهمنی (حک ۷۴۸-۷۵۹ق/۱۳۴۷-۱۳۵۸م) آغاز شده (ص ۱۱)، و با وفات سلطان فیروزشاه بهمنی (۸۰۰ - ۸۲۵ق/ ۱۳۹۸-۱۴۲۲م) خاتمه یافته است؛ طبقه دوم درباره سلاطین بهمنی بیدر است که یک قرن بر این سرزمین حکم رانند و سلطنت آنان با پادشاهی احمدشاه (حک ۸۲۵-۸۳۸ق/۱۴۲۲-۱۴۳۵م) آغاز شده (ص ۴۱، ۵۳)، و با سلطان محمود شاه بهمنی (د ۹۲۴ق/۱۵۱۸م) به انجام رسیده است (ص ۱۳۴، ۱۶۶)؛ طبقه سوم به شاخه نظام شاهیان در احمدنگر اختصاص یافته، و شامل احوال و اوضاع روزگار احمد شاه بحری (حک ۸۹۶-۹۱۴ق/۱۴۹۱-۱۵۰۸م) و سایر امرای نظام شاهیه تا عصر برهان نظام شاه دوم است.

طباطبایا قسمتی از مطالب اثر خود را از تواریخ معتبر سلاطین هند و نیز از کتاب عیون التواریخ و تاریخ محمود شاهی اقتباس کرده است (نک: ص ۱۱، ۹۳)؛ لیکن بخش مهمی از مندرجات آن مبتنی بر دیده‌ها و شنیده‌های خود اوست و به همین سبب، از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار شده است.

برهان مآثر گذشته از آنکه در تاریخ بهمنیان و نظام شاهیان هند از جمله مآخذ معتبر و مهم تاریخی محسوب می‌شود، به طور غیر مستقیم از احوال قطب شاهیان، عادل شاهیان و پادشاهان گجرات نیز سخن رانده است. این کتاب همچنین حاوی مطالب مفیدی درباره جغرافیای تاریخی شهر احمدنگر و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی نظام شاهیان و نیز چگونگی گرایش مذهبی امرای نظام شاهیه از حنفیه به امامیه است.

پس از وفات علی بن طباطبایا، فرزندش ابوطالب طباطبایا در ۱۰۳۸ق/ ۱۶۲۸م به تکمیل این کتاب پرداخت (نک: ص ۶۳۲؛ استوری، همانجا) و نکات مهمی درباره اواخر عصر نظام شاهیان و حمله اکبر شاه مغول به احمدنگر و سرانجام، انقراض حکومت نظام شاهی به آن افزود.

اسلوب نگارش برهان مآثر، منشیانه، زیبا و شیواست و مؤلف مطالب تاریخی را با اشعار نغز فارسی آراسته است. این کتاب در ۱۳۵۵ق/۱۹۳۶م با دیباچه‌ای از سیدهاشمی فریدآبادی در دہلی به چاپ رسید. همچنین دو خلاصه از آن به زبان انگلیسی ترجمه شده که یکی در لندن (۱۹۰۰م) و دیگری در بمبئی (۱۹۲۳م) انتشار یافته است